

# رسانه‌ها از موشک و پهپاد موثرترند



بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على سيدنا محمد و آله  
الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين.  
تصویری که از شعر امروز در ذهن بنده هست و بود و سال گذشته هم  
آن را کفتم، امشب روشن‌تر و تثبیت‌تر شد. شعر بحمدالله در کشور ما رو  
به پیشرفت و رو به اوج است، به معنای واقعی کلمه، نه فقط به معنای  
کمیت؛ این را باید قدر دانست و باید دنبال کرد.  
من چند نکته عرض می‌کنم. یکی اینکه شعر «رسانه» است. امروز در  
دنیا چالش‌ها و درگیری‌ها چالش‌های رسانه‌ای است. بیش از آنچه  
موشک و پهپاد و هواپیما و ابزارهای جنگی و مانند اینها تاثیر بگذارند  
در عقب راندن دشمن، رسانه‌ها هستند که تاثیر می‌گذارند و دل‌ها را  
تحت تاثیر قرار می‌دهند، ذهن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. جنگ،  
جنگ رسانه‌ای است؛ هر کس رسانه قوی‌تر داشته باشد، در اهدافی  
که دارد - هر هدفی - موفق‌تر خواهد بود. بنابراین، تکلیف شعر و شعرا  
معلوم شد. میراث شعری ما ایرانی‌ها در دنیا کم‌نظیر است. علت اینکه  
نمی‌گوییم «بی‌نظیر»، چون من از خیلی از تمدن‌ها و مانند اینها خبری  
ندارم؛ تا آن مقداری که من می‌دانم، من نظییری برایش نمی‌شناسم از  
لحاظ میراث شعری، البته جز شعر عربی که آن هم خیلی برجسته و  
دارای اوج است. بنابراین، ما با این میراث ادبی و شعری، سلاح رسانه‌ای  
شعری‌مان قدرتمند و قوی و اثرگذار و نافذ است.

نکته بعدی این است که این اثرگذاری شرط دارد؛ شرطش این است  
که شعر، به معنای واقعی کلمه هنر باشد، هنری ساخته شده باشد.  
شعرهایی داریم که اسم‌شان «شعر» است، لکن در آنها مایه هنر یا  
نیست یا خیلی کم است؛ اینها اثرگذار نیستند. شعر بایستی اثر هنری  
باشد. در شعر فارسی، شما ببینید مثلا شعر حافظ که در واقع در اوج  
شعر هنری ما است، روی گوته اثر می‌گذارد، روی اقبال اثر می‌گذارد،  
روی کسانی که فارسی را بلد نیستند اثر می‌گذارد. اقبال فارسی بلد  
کسانی که معروف که دیوان شعر فارسی دارد، هیچ وقت فارسی  
نخوانده بوده و خانواده‌اش هم فارسی بلد نبودند؛ از طریق همین شعر  
حافظ و مانند اینها با فارسی آشنا شده که توانسته آن دیوان شعر  
مفصل را به فارسی بسراید. این تاثیر شعر است؛ شعر هنری این جور  
اثر می‌گذارد. یا گوته و بقیه کسانی که شماها کاملا می‌شناسید.  
خب حالا اگر بخواهیم شعر هنری باشد، روی چه چیزی بیشتر باید  
تکیه کنیم؟ معلوم است؛ روی جسم و روح، روی لفظ و مضمون. با  
الفاظ سست، با الفاظ نه چندان محکم و استوار و پرمعنا، نمی‌شود اثر  
هنری ساخت. بنده گاهی در بعضی از روزها ما شعرهایی را می‌خوانم  
که اگر انسان همه آن قلمعه شعر را نخواند - که مثلا غزل است یا هرچه  
هست - آخرش واقعا عصبانی می‌شود؛ یعنی اثرش فقط عصبانی  
شدن و اوقات تلخی آدم است، هیچ جنبه هنری‌ای الفاظ ندارد.  
وانگهی مضمون، مضمون، هم از موضوع برمی‌خیزد، هم از کیفیت بیان  
موضوع برمی‌خیزد. شما اگر چنانچه یک موضوعی را - که یک موضوع  
قابل توجهی نیست - در شعر بیاورید اما با نوع بیان بدیع و اثرگذاری  
آن را ذکر نکنید، این، شعر را اعتلا نمی‌بخشد. شما ببینید خیلی از  
موضوعاتی که در اشعار هندی گویایی مثل صائب یا کلیم وجود دارد،  
در اشعار دیگران هم هست، منتها کیفیت بیان اینها جور است که  
مرتبه شعر را بالا می‌برد. بنابراین، مضمون بایستی و هم لفظ استوار  
- این دو عنصر لازمند.

یک نکته دیگر در مورد پیام است. خب حالا ما مضمون را انتخاب کردیم  
و الفاظ خوبی هم برایش انتخاب کردیم؛ ما چه پیامی می‌خواهیم به  
مخاطب‌مان بدهیم؟ حالا مثلاً فرض کنید پیام بعضی‌ها عبارت است از  
همین شکوه از وضع که غالب شعری طولانی در طول تاریخ، همین جور  
بودند؛ یعنی کمتر شاعری را شما پیدا می‌کنید که از وضع زمانه خودش  
گله و شکایت نکند؛ حالا بعضی شدیدتر، بعضی کمتر؛ [اما] این پیامی  
نیست که برای مخاطب، یک معنای معنایی و فایده قابل قبولی داشته  
باشد؛ بله، به‌حالا بعضی از اینها یک مقدار تاریخ را نشان می‌دهد - به  
همین اندازه؛ بیشتر نیست - لکن آنچه موردنظر است که می‌تواند پیام  
خوبی باشد، پیام دین است، پیام اخلاق است، پیام تمدن است،  
[برای] ما ایرانی‌ها پیام ایرانیگری ما است. ما خیلی پیام داریم، خیلی  
حرف داریم برای گفتن؛ ما پیام‌های تمدنی بی‌شماری داریم که معارف  
دینی ما، معارف اخلاقی ما، معارف ایرانی ما، پیام ایستادگی شجاعانه  
ملت ایران، اینها همه چیزهایی است که قابل انتقال است؛ اینها را  
بایستی در پیام [شعر بیاوریم]. الان یکی از مایه‌های اعتبار ملت ایران  
ایستادگی شجاعانه او در مقابل ظلم، در مقابل زورگویی و زیاده‌طلبی در  
دنیا است که حالا مظهرش آمریکا و صهیونیست‌ها و مانند اینها هستند.  
[ملت ایران] صریح، بدون ملاحظه، بدون اجمال، موضع خودش را بیان  
می‌کند؛ خب این مساله خیلی مهمی است، این در دنیا خیلی مطلوب  
است. عناصر سیاسی کشور ما [مثل] بعضی از روسای جمهور و دیگران،  
وقتی به کشورهایی رفتند، حالا با دولت‌ها چندان نه، اما با مردم وقتی  
در مساجد و در اجتماعات روبه‌رو شدند و از این حرف‌ها زدند، مردم به  
هیجان آمدند. خود من در پاکستان یک سخنرانی در مقابل چند هزار [نفر  
کردم]، رئیس‌جمهورشان هم نشسته بود؛ این جلسه واقعا جلسه‌ای بود  
که مثل نبضی که تپش دارد و حرکت می‌کند، همین‌طور داشت حرکت

می‌کرد؛ [این] به خاطر مطلب است؛ وقتی که استقامت ملت ایران و  
ایستادگی ملت ایران بیان می‌شود؛ و دیگری هم از همین قبیل بوده‌اند  
که ما شنیده‌ایم و اطلاع داریم. بنابراین، اینها را باید منتقل کرد؛ پیام ما  
اینها است؛ پیام ایستادگی است، پیام تمدن است، پیام اسلام است.  
این جلسه سالها ما جلسه بسیار خوبی است، جلسه باریکی است.  
برجستگی هم در این جلسه بودند و به جلسه آبرو دادند؛ همین بزرگانی  
که آقایان اسم آوردند، مکرر در این جلسه می‌آمدند، حضور پیدا می‌کردند،  
شعر می‌خواندند؛ جلسه، جلسه خوبی است. آنچه در ذهن من هست  
این است که این جلسه زینتی نباشد؛ ما حالا نمی‌خواهیم بگوییم در  
جمهوری اسلامی مثلاً یک جلسه شعری در این سطح تشکیل می‌شود!  
مساله این نیست؛ می‌خواهیم این جلسه امتداد داشته باشد؛ یعنی  
کمک کند به مقاصدی که در زمینه شعر وجود دارد، پیگیری بشود و  
حلقه‌های شعری، انجمن‌های شعری، محافل شعری تشکیل بشود و  
این مطالبی که حالا به یک نحوی در این جلسه مطرح می‌شود - چه  
شما در شعرتان مطرح می‌کنید، چه بنده در عرایض مطرح می‌کنم -  
امتداد پیدا کند. من چند توصیه یادداشت کرده‌ام که اینها خیلی خوب  
است. یکی مساله ترجمه است؛ ما از لحاظ ترجمه ضعیفیم. بعضی  
از شعرای معروف عرب در ایران شناخته شده‌اند، همه می‌شناسند  
اینها را، چون شعرشان به فارسی ترجمه شده. ما از شعرای خودمان  
در کشورهای عربی، در کشورهای غیر عربی، ظاهراً اثری نمی‌بینیم؛  
حالا ممکن است من خبر نداشته باشم، اما تا آنجایی که من خبر  
دارم اثری نیست؛ چرا؟ خب این شعر، شعر خیلی خوبی است، این  
باید در معرض استفاده افکار عمومی دنیا قرار بگیرد. به قول شاعر:  
می‌نابی ولی از خلوت خم  
چو در ساغر نمی‌آبی چه حاصل؟

باید از این شعر و از این بیان شما استفاده بشود؛ باید دنیا استفاده  
کند، افکار استفاده کنند. بنابراین، ما باید یک نهضت ترجمه شعر  
درست کنیم. ترجمه شعر هم با ترجمه‌ی نثر فرق دارد؛ چون می‌دانید  
شعر معمولاً با شعر ترجمه نمی‌شود، با نثر ترجمه می‌شود. گاهی کسانی  
تلاش کرده‌اند که مثلا شعر مولوی را به عربی ترجمه کنند و دیده‌ایم که  
نتوانسته‌اند. بنده یک کتاب ترجمه عربی مثنوی را دارم و گاهی نگاه  
کرده‌ام؛ عبدالعزیز جواهرکلام - برادر بزرگ جواهری معروف، شاعر بزرگ  
معروف عراق - که ساکن ایران بود، پیش بنده هم آمده بود و او را دیده بودم،  
ترجمه کرده مثنوی را، انصافاً شاعر خوبی هم هست، اما نمی‌تواند. شعر  
را با شعر، خیلی دشوار می‌شود ترجمه کرد. مرحوم سیدمهدی بحرالعلوم  
که از علمای قرن سیزدهم هجری است، وقتی که به مرجعیت می‌رسند،  
سفر پیاده‌ای از نجف می‌روند کربلا. علمای نجف گاهی این کار را  
می‌کردند که از نجف پیاده می‌رفتند کربلا؛ ایشان هم در اول مرجعیت،  
یک سفر پیاده‌ای می‌روند کربلا و یک عده همراهانش بودند. خود ایشان  
اهل شعر و اهل ذوق و شاعر بود - شاعر است و به زبان عربی و به زبان  
فارسی شعر می‌گوید - چند نفر شاعر هم با خودش برده بود. این هم یک  
نکته‌ای است که یک مرجع تقلیدی در سفر بین نجف و کربلا، بدون  
همراهی شاعر حرکت نمی‌کند؛ سه چهار شاعر [همراه ایشان] بودند. به  
یک منزلی می‌رسند، ایشان خسته می‌شود؛ دیگران می‌خواستند بروند،  
ایشان می‌گفتند من دیگر نمی‌توانم، بعد این بیت طالب‌آملی را می‌خواند:  
از ضعف به هر جا که رسیدیم وطن شد  
وز گریه به هر سو که گذشتیم چمن شد

این شعر را می‌خواند؛ آن شعرای عرب می‌گویند که معنای این چیست،  
ایشان برایشان توضیح می‌دهد، بعد اقتراح می‌کند می‌گوید این را بسازید.  
در کتاب‌ها، شعری که آنها ساخته‌اند هست؛ همین بیت طالب‌آملی را  
اینها به عربی ترجمه کرده‌اند و به صورت شعر ساخته‌اند، شعرای درجه  
یک عرب هم بودند، [اما] وقتی آدم نگاه می‌کند، می‌بیند بین شعر آنها و  
شعر طالب‌آملی خیلی فاصله است. خود مرحوم سیدمهدی بحرالعلوم  
هم می‌سازد؛ او هم ساخته، که در این کتاب‌ها هست. [ترجمه شعر را]  
نمی‌شود با شعر ساخت؛ باید با نثر ساخت، منتها نثر شاعرانه، نثر گویا،  
نثر قوی. چه کسی می‌تواند این کار را بکند؟ کسی که به هر دو زبان  
مسلط باشد و به نظر من، زبان [مقصود] مورد ترجمه زبان مادری او باشد؛  
این [جوری] باید باشد. به نظر من این کار مهمی است، کار دولت هم  
هست؛ یعنی این کار، کار اتحاد مردم نیست، کار سختی است. بنابراین  
یک توصیه توصیه دیگر بود. یک توصیه دیگر ورود شعر به کتاب‌های  
درسی است که این مربوط به وزارت آموزش و پرورش است؛ شعر را بیاورند  
داخل کتاب‌های درسی، البته هست، [اما] بیشتر از این باید بیاید. کودک  
باید از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی، با شعر انس بگیرد؛ شعر بخش  
مهمی از تمدن ما و فرهنگ ما و معارف ما است؛ خیلی از معارف ما در  
شعر بیان شده، نکته دیگری که من یادداشت کرده‌ام تحریک حافظه  
ادبی مردم و خلاق کردن ذهن مردم و جوانان است. حافظه ادبی مردم  
ما ضعیف است؛ یعنی در جاهای مناسب، شعرهایی که باید به تناسب  
یادشان بیاید، یادشان نمی‌آید؛ یعنی نمی‌دانند. گاهی شعرهایی  
می‌خوانند، غلط می‌خوانند، که گاهی در تلویزیون هم ما می‌شنویم؛ پای  
تلویزیون نشسته‌ایم، مجری یک شعر غلط می‌خواند که اعصاب انسان  
خرد می‌شود. یک وقتی پیرمردی که موسیقیدان بود، به من می‌گفت  
اینهایی که در یک دستگاهی آواز می‌خوانند و بعد خارج [دستگاه]  
می‌روند، مثل این است که میخی در گوش آدم فرومی‌کنند؛ این جوری  
آدم ناراحت می‌شود. حالا واقعا وقتی شعر را غلط می‌خوانند، گاهی  
اوقات این جوری است، مثل اینکه میخی در گوش انسان فرومی‌کنند.  
این نشان دهنده آن است که حافظه ادبی مردم ضعیف است. این راه  
دارد؛ باید راهش را پیدا کنند و جوری بشود که مردم با شعر انس پیدا  
کنند، آشنا بشوند. توصیه من به شعرای عزیزمان، به خصوص جوان‌ها،  
مطالعه آثار شعری و برجستگی‌هایی است که در شعرها وجود دارد. حالا  
لابد شماها مثلا حافظ، شاهنامه یا خمسه نظامی را می‌خوانید؛ لابد اینها  
را می‌خوانید - اگر بخوانید - اما فقط اینها نیست. ما شعرای زیادی داریم  
که واقعا شعرهای برجسته‌ای دارند؛ همین شعرای سبک هندی، همین  
شعرای سبک وقیع، واقعا شعرهایشان گاهی اوقات در اوج است؛ یعنی  
انسان حیرت می‌کند از زیبایی شعر؛ یعنی واقعا انسان متحیر می‌شود  
که این شعر چقدر زیبا و پرنکته و خوش لفظ و پرمعناست. اینها را  
بخوانند؛ کارهایی که کرده‌اند، هنرهایی که به خرج داده‌اند، همین  
ماده تاریخ‌هایی که بعضی‌ها گفته‌اند؛ واقعا انسان تعجب می‌کند. دور  
همین صحن قدیم قم - به اصطلاح، صحن کهنه قم یا صحن کوچک  
قم - یک کتیبه‌ای هست، اسمش «کتیبه‌ی معجزیه» است؛ هر بیت  
این قصیده ماده تاریخ ساخت این صحن است. هر بیتش ماده تاریخ  
است، جزئیات دیگری هم دارد که من حالا یادم نیست، مال قدیم است؛  
[مثلاً] وقتی دو بیت را با هم جمع کنند یک جوری می‌شود، سه بیت با  
جمع کنند یک جور می‌شود؛ خب اینها خیلی مهم است. شعر هم شعر  
محکمی است؛ یعنی شعر سبکی نیست، شعر بسیار خوبی است. قم

دو صحن دارد؛ شما [اگر] الان بروید صحن قدیمی قم - صحن کوچک  
یا صحن کهنه که ایوان طلا و گنبد طلا در آن هست - این کتیبه‌ای که  
در بالای [ایوان] نوشته شده همین قصیده است، اسمش را هم می‌گویند  
«قصیده‌ی معجزیه»؛ یعنی واقعا مثل معجزه می‌ماند. خب اینها را ببینند  
شاعرهای جوان ما؛ این قدرت لفظ و معنای شاعر را نشان می‌دهد. نه  
اینکه بخواهیم توصیه کنیم که حتما بروید مثلاً ماده تاریخ بگویید؛ نه،  
توجه کنید که این شاعر چقدر قوی است که لفظ قوی و معنای متین را  
با این محدودیت به وجود می‌آورد و تولید می‌کند؛ این خیلی مهم است.  
این هم یک نکته که خواستیم عرض کنیم. یک مساله، مساله پاسداشت  
زبان فارسی است. به نظر من زبان فارسی کاملاً در مظلوم واقع می‌شود.  
حالا این اواخر یک کارهایی دارد می‌شود، بعضی‌ها در انجمن‌هایی  
یک کارهایی دارند انجام می‌دهند، اما ما بیش از این احتیاج داریم  
تقویت زبان فارسی. زبان فارسی زبان کشش‌داری است، جزء زبان‌هایی  
است که می‌تواند توسعه پیدا کند، چون زبان ترکیبی است و ترکیب‌های  
زیبا [دارد که] انسان برای بیان هیچ معنایی گیر نمی‌کند. معنای دقیق  
علمی، معنای دقیق روحی و هر مفهوم دقیق و ظریفی را با زبان فارسی  
می‌شود بیان کرد؛ با بعضی زبان‌ها واقعا نمی‌شود بیان کرد. اما با این زبان  
[می‌شود]. بعضی از تعبیرات اصلاً قابل انتقال نیست. من یک وقتی گفتم؛  
شادم که از رقیبان، دامن‌کشان گذشته  
گوشت خاک ما هم بر باد رفته باشد  
خب این «دامن‌کشان گذشته» را به عربی چه جوری معنا می‌کنیم؟  
این «دامن‌کشان گذشته» را می‌خواهیم ترجمه کنیم؛ بنده به عربی  
واردم؛ چه جوری می‌شود ترجمه کرد این را؟ نمی‌شود ترجمه کرد، اصلاً  
قابل ترجمه نیست، اما این [شاعر] یک مفهوم لطیف ظریف مهمی را با  
همین کلمه «دامن‌کشان» در این شعر آورده؛ یعنی یک چنین چیزهایی  
در زبان فارسی هست. ما از زبان فارسی داریم غفلت می‌کنیم. حالا  
متأسفانه هجوم زبان‌های بیگانه هم زیاد شده؛ هجوم زبان‌های اروپایی،  
غربی و بالخصوص انگلیسی زیاد شده، همین‌طور بی دریغ مصرف  
می‌کنند. به نظر من عکسش باید انجام بگیرد؛ بایستی معادل‌های  
فارسی [ترویج بشود]. ما «هلی‌کوپتر» را تبدیل کردیم به «بالگرد»؛ هم  
قشنگ‌تر از «هلی‌کوپتر» است، هم آسان‌تر از «هلی‌کوپتر» است، هم  
ایرانی است، هم [معناراً] نشان می‌دهد. البته افغان‌ها این را «چرخ‌بال»  
معنای کرده بودند که درست نبود؛ «بالگرد» بهتر از «چرخ‌بال» است. ما از  
این کارها خیلی زیاد می‌کنیم. چند نفر برای دیدار امشب نوشته‌هایی  
برای من فرستاده بودند، من در نوشته آقای فیض یک کلمه‌ای دیدم که  
خیلی خوشم آمد: «رایانه سپهر». نمی‌دانم چه کسی این را تولید کرده؛  
خب قشنگ است؛ به جای «فضای مجازی» [گفته] «رایانه سپهر». از  
این قبیل خیلی زیاد است. عجیب هم به نظر نیاید؛ یک مقداری که  
انسان عادت بکند، می‌بیند خیلی هم قشنگ است. به نظر من این  
کار هم بایستی انجام بگیرد و امیدواریم که دوستان بتوانند اینها را دنبال  
کنند؛ یعنی واقعا نگذارند حجم لغات فرنگی در داخل زبان فارسی،  
دیگر بیش از این بشود؛ یک مقداری از این کم کنند و به زبان فارسی  
یک خلوصی بدهند تا یک زبان ناب فارسی باشند ان شاء الله. به هر حال،  
امشب شب خوبی بود. امیدواریم ان شاء الله همه دوستان موفق باشند.  
آنهايي هم که توفيق پيدا نکرديم شعرشان را بشنويم، ان شاء الله بعدها  
بتوانيم از شعرشان استفاده کنیم.

و السلام علیکم ورحمه الله و برکاته



## پیروزی نهایی مردم غزه را خواهید دید

در این دیدار آقای زیاد النخاله، دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین با  
قدرتانی از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از موضوع فلسطین،  
یاد و خاطره شهید سردار سلیمانی را گرامی داشت و گفت: «آنچه  
که امروز در غزه در جریان است در واقع تکرار حادثه کربلا است و  
به‌رغم همه سختی‌ها و توطئه‌ها مردم غزه در کنار نیروهای مقاومت  
توانسته‌اند با ایستادگی کم‌نظیر خود طراخی آمریکا و رژیم صهیونیستی  
و حامیان آنها را برای نابودی مقاومت با شکست مواجه کنند.»  
وی با تأکید بر هماهنگی کامل میان نیروهای مقاومت به‌ویژه  
حماس و جهاد اسلامی، خاطرنشان کرد: «مردم غزه و نیروهای  
مقاومت بر استمرار ایستادگی تا پیروزی نهایی مصمم هستند  
و به لطف خداوند پیروزی نهایی در آینده نه چندان دور محقق  
خواهد شد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر پنجشنبه  
در دیدار زیاد النخاله دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین و هیأت  
همراه، نیروهای مقاومت و مردم غزه را تا این لحظه پیروز میدان  
خواندند و تأکید کردند: «اوج عزت و ایستادگی مردم غزه و فلسطین و  
ناکامی‌های رژیم صهیونیستی در این جنگ شش‌ماهه یک حادثه و  
پدیده‌ای الهی است.» رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به جنایات رژیم  
صهیونیستی در کشتار مردم غزه گفتند: «اینکه رژیم صهیونیستی با  
این همه ساز و برگ نظامی و پشتیبانی‌های قدرت‌های ظالم دنیا،  
اقدام به کشتار زنان و کودکان می‌کند، نشان می‌دهد این رژیم قادر  
به مقابله با نیروهای مقاومت و شکست آنها نیست.» حضرت آیت‌الله  
خامنه‌ای خطاب به دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین خاطرنشان  
کردند: «به‌فضل الهی شما پیروزی نهایی مردم غزه را خواهید دید.»